



پیامبر اسلام محبوب قلب ها

اسماعیل قدیری
استان گلستان، مذهب: حنفی

بی تردید یکی از بزرگترین نعمتهایی که خداوند به انسانها ارزانی فرمود؛ فرستادن پیامبران برای راهنمایی بشر بود.

پیامبری که بعثت پر برکتش تمام کاینات را نور باران کرد و ثمرات و نتایج بسیار مثبت و دیر پای را برای تمام مخلوقات به ارمغان آورد، خداوند تبارک و تعالی در این باره می فرماید: «لَقَدْ مِّنَ اللَّهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ أَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَقَى ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴) خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخت؛ که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنان را از هر نقص و آلائش پاک کند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد.



□ احترام به انسانیت:

قبل از ظهور اسلام، انسان به عناوین مختلفی مورد تحقیر قرار می‌گرفت. گاهی خودش اسباب تحقیر و خواری خود را مهیا می‌کرد و با فراموش کردن عظمت و کرامت انسانی خود را به پای بت‌های خود ساخته می‌انداخت و شخصیت خود را در مقابل آنها خرد می‌کرد.

گاهی با زنده به گور کردن دختران بدترین نوع تذلیل انسانی را به نمایش می‌گذاشت و زمانی با شراب خواری و از دست دادن عقل و هوش خود را از بام شرف انسانیت به پایین پرت می‌کرد و در هر دو صورت مرتکب انواع جرایم انسانی می‌شد.

پیامبر اکرم (ص) با بیان توحید الهی انسان را با مقام والای انسانیت آشنا ساخت و در این راستا زحمات و مشکلاتی را متحمل شد که انسانهای عادی از تصور آن نیز بیم دارند. همچنین در پرتو دستورات الهی قانونی برای جامعه بشری وضع فرمود و با تحریم حکیمانانه شراب و ممنوعیت زنده به گور کردن دختران و ... شرف و عزت پایمال شده انسان را به او باز گرداند.

□ محبوب خدا:

رسول خدا (ص) در میان همه مخلوقات دنیا از همه بیشتر محبوب خداوند کریم هستند. خداوند از بین همه انسانها اعم از انبیا و دیگران فقط به زندگی و جان پیامبر اکرم (ص) قسم یاد فرموده است که این خود دلیل بر محبوبیت ایشان نزد خداوند می‌باشد.

در سوره حجر می‌فرماید: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (حجر، ۷۲) (ای پیغمبر) به جان تو سوگند! آنان در مستی خود سرگردان بودند. عبدالله بن عباس در تفسیر این آیه می‌گوید: «ما خلق الله تعالى نفسا أكرم على الله من محمد صلى الله عليه و سلم و ما سمعت الله أقسم بحياة أحد غيره و في التأويلات النجمية هذه مرتبة مانالها أحد من العالمين الا سيد المرسلين و خاتم النبيين عليه الصلاة و السلام من الأزل الى الأبد و هو انه تعالى أقسم بحياة فانيا عن نفسه باقيا بر به كما قال تعالى إِنَّكَ مِثُّ أَيْ مِثِّ عُنُقِكَ حَيٌّ بِنَا وَ هُوَ مَخْتَصٌ بِهَذَا الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ»

{خداوند هیچ کسی را خلق نکرد که در نگاهش محترم تر از پیامبر باشد و به همین دلیل به زندگی هیچ فردی غیر از پیامبر قسم یاد نکرد.} (تفسیر روح البیان، إسماعیل حقی بن مصطفی‌الاستانبولی الحنفی الخلوئی، ج ۴، ص ۴۷۹) در جایی دیگر به شهر مکه که محل سکونت پیامبر اکرم (ص) بوده قسم یاد می‌کند «لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» (بلد، ۱ و ۲) سوگند به این شهر {مکه معظمه} در حالی که تو {ای رسول} در این شهر سکونت داری. به همین علت خداوند بر همه مسلمانان لازم قرار داد که با پیامبر اکرم (ص) محبت و عشق بورزند تا جایی که ذات پر انور

حضرت رسول اکرم (ص) را بر تمام کائنات ترجیح داده و ایشان را از تمام اهل دنیا بیشتر دوست دارند و تا زمانی که این احساس بر کسی پیدا نشود، ایمانش کامل نخواهد شد.

الله عزوجل در این باره می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه، ۲۴) {ای رسول ما! بگو امت را، که ای مردم! اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود را و اموالی که جمع کرده اید و اموال تجارت که از کسادى آن بیمناک اید و منازل {عالی} که به آن دلخوش شده اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید، منتظر باشید تا امر نافذ و {قضای حتمی} خدا جاری گردد. خداوند فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

مولانا مفتی محمد شفیع رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: {در این آیه روی سخن مستقیماً با کسانی است که با وجود فرض شدن هجرت، نتوانستند بر روابط دنیوی خود غالب آیند و در مقابل حکم خداوند مغلوب احساسات و عواطف مادی و دنیوی قرار گرفتند. ولی عموم الفاظ این آیه به تمام مسلمانان دستور می دهد که محبت خدا و رسولش را طوری در قلب های خود جای دهند، که محبت هیچ چیز و هیچ کس دیگری بر آن غالب نیاید و هر کسی که این اندازه محبت در قلب خود پیدا نکرد؛ مستحق عذاب خواهد بود و باید منتظر گرفت خداوند باشد.

پیامبر اکرم (ص) نیز در احادیث مختلفی به لزوم این رابطه عاطفی بین خود و امت اشاره فرموده و آن را مکمل ایمان قرار داده است.

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا (ص) فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (ص)، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، ج ۱، ص ۶۷)

هیچ کس از شما مومن کامل نخواهد بود تا زمانی که من از پدرش و فرزندانش و تمام مردم در نظر او محبوبتر نباشم.

□ علائم و نشانه های محبت :

مسلمان باید محبت واقعی و عشق حقیقی نسبت به پیامبر اکرم (ص) را در قلب خود پیدا کند. نه اینکه فقط با زبان ادعای محبت کند و در عمل هیچ اثری از آن وجود نداشته باشد. زیرا چنین محبت زبانی در نزد خداوند معتبر نیست و او از احوال قلب انسان خوب آگاه است. محبت و عشق واقعی و قلبی علائمی دارد که به وسیله آن می توان به وجود این احساس روانی پی برد و ما به طور نمونه

بعضی از این علائم را یادآور می‌شویم.

۱. پیروی کامل

از جمله آثار محبت با حضرت رسول (ص) اتباع کامل و پیروی دقیق از تعلیمات نبوی است. بی تردید کسی که ادعای محبت و عاشق بودن می‌کند ولی گفته‌های محبوب و معشوق در نظرش اهمیتی ندارد و به دستورات او توجهی نمی‌کند. از نظر هر شخص عاقلی، دروغگو و مدعی عشق دروغین می‌باشد.

به قول شاعر: (تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری، ج ۱، ص ۴۶۲)

تعصی الاله وانت تظهر حبه هذا لعمری فی الفعال بدیع
لو کان حبک صادقاً لأطعته إن المحب لمن یحب مطیع

(و در روایتی دیگر تعصی الرسول و أنت تظهر حبه)

قسم به جان خودم خیلی عجیب است که اظهار محبت با پیامبر را می‌کنی در حالی که دستورات ایشان را به جای نمی‌آوری.

اگر محبت تو واقعی می‌بود از او پیروی می‌کردی. زیرا محب و عاشق همیشه فرمان بردار محبوب خود است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹) ای اهل ایمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) را اطاعت کنید.

در این آیه برای پیروی از دستورات رسول لفظ (أطیعوا) را دوباره ذکر فرموده تا اهمیت اتباع از پیامبر را روشن سازد. صحابه و محبان واقعی پیامبر اکرم (ص) به جهت عشق حقیقی که با حضرت رسول داشتند هیچ وقت در انجام فرمان پیامبر و اتباع کامل از روش زندگی ایشان تردیدی به خود راه نمی‌دادند. مسأله تحویل قبله و تحریم شراب و صدها نمونه دیگر شاهد این مدعا می‌باشند.

رسول خدا (ص) در مسجد نبوی مشغول خطبه بودند. چند نفر در کنار دیوار مسجد ایستاده و به

ارشادات آن حضرت گوش می دادند. پیامبر خطاب به آنها فرمود: که بنشینید. عبدالله بن مسعود به طرف مسجد می آمد و هنوز وارد نشده بود که صدای پیامبر به گوش ایشان رسید. فوراً همان جا نشست. عبدالله بن مسعود به خوبی می دانست که منظور پیامبر کسانی هستند که داخل مسجد ایستاده هستند، ولی اتباع کامل از پیامبر به ایشان اجازه قدم برداشتن نداد.

۲) احترام و تعظیم رسول:

محب همیشه احترام خاصی را نسبت به محبوبش در اعماق قلب خود احساس می کند و به هیچ وجه حاضر نیست کلمه ای بر خلاف محبوب خود بشنود و تحمل نماید. او هر عمل و کار محبوب را به دیده تحسین و احترام می نگرد و در حضور و غیاب او عزت و عظمتش را حفظ می کند. لذا یکی از علائم محبت و عشق واقعی به پیامبر اکرم (ص) این است که هر مسلمان، در هر موقعیت، عظمت و بزرگی حضرت رسول و ادب و احترام نسبت به آن حضرت را حفظ کند و از هر گونه حرف و کاری که منافی تعظیم رسول (ص) باشد بپرهیزد. خداوند تبارک و تعالی در آیات زیادی نسبت به احترام و تعظیم رسول (ص) تأکید فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (توبه، ۸-۹) ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهنده فرستاده ایم (ما محمد را به سوی شما مردمان فرستاده ایم) تا به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید و خدا را (با یاری دادن دینش) یاری کنید و او را بزرگ دارید و سحر گاهان و شامگاهان به تسبیح و تقدیسش پردازید.

بعضی مفسرین هر سه لفظ تسبیح و توقیر و تعزیر (یاری نمودن) را راجع به خداوند مطرح کرده اند و بعضی دیگر گفته اند که تسبیح راجع به خداوند و توقیر (تعظیم) و تعزیر راجع به رسول است. که در این صورت خداوند به بندگان دستور می دهد که نسبت به مقام والای نبوت و رسالت اظهار احترام کنند.

در جای دیگر می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (حجرات، ۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را از صدای پیغمبر بلندتر نکنید، و همچنان که با یکدیگر سخن می گوئید، با او به آواز بلند سخن مگوئید، تا نادانسته اعمالتان بی اجر و ضایع نشود.

ابن قیم می گوید: که اگر صحبت کردن با صدای بلند با پیامبر می تواند سبب ضایع شدن اعمال نیک انسان شود. پس رأی و عقل خود و یا سیاست و دانستن خود را بر خواسته های پیامبر مقدم داشتن نیز اعمال را از بین می برد.

در ادامه گفتگوی نرم و آهسته با پیامبر را جزو تقوی قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَسْوَأَتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ». (حجرات، ۳) آنان که صدای خود را نزد پیغمبر خدا پائین نموده و آهسته برمی‌آورند، کسانی‌اند که خداوند دل‌هایشان را برای پرهیزگاری پاکیزه و ناب داشته است. ایشان آمرزش سترگ و پاداش بزرگی دارند.

همچنین احترام رسول خدا (ص) می‌طلبد که در هر مجلسی که گفته‌ها و احادیث ایشان قرائت می‌شود، احترام و تعظیم آن مجلس کاملاً رعایت گردد.

همچنین باید با اهل بیت آن حضرت و اصحاب و یاران آن حضرت نیز محبت ورزید و به آنان احترام گذاشت. عروه بن مسعود ثقفی که در صلح حدیبیه اصحاب پیامبر (ص) را دیده بود احترام آنها نسبت به پیامبر را این گونه برای قریش به تصویر می‌کشد (ای قوم بارها نزد کسری و قیصر رفتم ولی هیچ پادشاهی را ندیدم که این گونه مورد تعظیم درباریان خود قرار گیرد، آن گونه که محمد (ص) در دل‌های اصحاب خود جای گرفته است. اصحاب او ... زمانی دستور می‌دهد همگی برای انجام آن می‌شتابند. وقتی وضو می‌گیرد برای آب وضویش از هم سبقت می‌گیرند گویا بین آنها درگیری رخ خواهد داد. با سکوت کامل به سخنانش گوش می‌دهند و به پاس ادب کسی به او خیره نمی‌شود.) (صحیح البخاری، کتاب الشروط، باب شرط فی الجهاد)

۳) دفاع از سنت رسول

عمل به دستورات نبوی و دفاع از تعلیمات حضرت رسول اکرم (ص) از دیگر علائم محبت و الفت با پیامبر است. کسی که ادعای عشق رسول را دارد باید در راه نشر برنامه‌ها و فرامینی که پیامبر از جانب خدا برای سعادت بشریت آورده‌اند و زحمات طاقت فرسایی را برای آن متحمل شدند کوشا باشد.

طریقه زندگی پیامبر را اولاً در تمام زوایای زندگی خود پیاده کند و با عشق به پیامبر به تمام سنت‌های نبوی عامل باشد و در مرحله بعد دیگران را به این کار دعوت کند و با حکمت و ملاحظت مردم را از کارهای خلاف سنت باز دارد و در این راه هرچه بیشتر سعی کند رضایت پیامبر (ص) را بیشتر جلب خواهد کرد.

۴) ذکر رسول (ص)

در باب محبت، قانون این است که: «من أحب شیئاً أكثر ذكره» کسی که چیزی را دوست دارد، به کثرت از آن یاد می‌کند.

محب همیشه به یاد محبوب است و فکر محبوب هیچ وقت از صفحه ذهنش دور نمی شود و هر وقت ذکر و یاد محبوب بر لب هایش جاری می شود.

روزی پنج مرتبه در اذان که یکی از بزرگترین شعائر دین است نام مبارک حضرت رسول (ص) تکرار می شود. در همه نمازها نیز شهادت به رسالت آن حضرت و درود و سلام بر ایشان نیز یاد اور همین نکته است که مسلمانان هیچ لحظه ای بدون یاد محبوب حقیقی خود باشد، در حدیث نیز آمده است که رسول خدا (ص) فرمودند: که هر کس یک مرتبه بر من درود بفرستد خداوند ده مرتبه رحمت خود را بر او نازل می فرماید.

مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله می فرماید: که اگر ذکر رسول عبادت نمی بود باز هم تقاضای عقل این بود که مسلمانان هر وقت یاد حضرت پیامبر اکرم (ص) را در قلب خود تازه داشته باشند. زیرا ادعای محبت بدون اینکه یادی از محبوب در خاطر باشد، ادعایی دروغین است. و انسان نباید در این مورد هیچ قید و شرطی را بر خود لازم گرداند و ذکر پیامبر را منحصر به مواقع یا مجالس بخصوصی قرار دهد، زیرا که این رسوم باعث کاهش یاد پیامبر می شوند و بر خلاف قانون محبت است که (اذا جاءت الألفه رفعت الكلفه) محبت که آمد تکلف ها از بین می رود، پس هر جا و هر وقت باید به یاد محبوب واقعی بود.

۵) شوق دیدار رسول صلی الله علیه و سلم

یکی دیگر از علائم محبت این است که محب برای دیدار محبوب همیشه بی قرار و بی تاب است و فراغش جانسوز و جانگداز.

صحابه اکرم چون که دوست داران و عاشقان واقعی پیامبر اکرم (ص) بودند دیدار و همراهی با رسول (ص) بزرگترین آرزوی آنان بود. یکی از اصحاب که بعد از وفات پیامبر (ص) بینایی خود را از دست داده بود می فرماید: (چشمانم را به خاطر این دوست داشتم که می توانستم با آنها محبوبم حضرت رسول (ص) را بینم حالا که ایشان در میان ما نیستند، هیچ غمی برای از دست رفتن بینایی ام ندارم).

عمار بن زیاد در جنگ احد به شدت زخمی شده بود. در آخرین لحظه های زندگی که با مرگ دست و پنجه نرم می کرد. از ایشان در مورد آخرین آرزویش پرسیده شد. فرمود: آرزوی دیدار حضرت پیامبر (ص) را دارم. پیامبر اکرم (ص) بر بالین عمار حاضر شدند، عمار با زحمت بدن خود را به طرف پیامبر کشید و سرش را روی پای رسول اکرم (ص) نهاد و گفت آرزوی من برآورده شد. برای ما تهی دستان زیارت قبر حضرت رسول (ص) باعث تسکین خاطر است و پیامبر اکرم (ص) نیز

برای تسلی عاشقانی که موفق به دیدار آن حضرت نگشته‌اند این مژده را بیان فرموده است که «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَمَاتِي فَكَأَنَّمَا فِيهِ حَيَاتِي» کسی که بعد از مرگم به زیارت من بیاید گویا در زندگی مرا ملاقات کرده است. بسیاری از عاشقان راستین رسول اکرم (ص) در این زمان نیز هستند، که همانند ماهی دور افتاده از آب برای رسیدن به زیارت قبر محبوب حقیقی خود بی تاب هستند و یک لحظه در کنار روضه مبارک بودن برای ایشان به منزله آب حیات است.

شیخ احمد رفاعی رحمه الله یکی از عاشقان و دلسوختگان رسول اکرم (ص) با چند تن از اطرافیان به زیارت قبر و روضه مبارک حضرت رسول (ص) می‌رود و با کمال ادب سلام می‌گوید: «السلام عليك يا جدّي» از روضه أظهر جواب می‌آید: «و عليك السلام يا وُلْدِي». شیخ رفاعی در حالت وجد بی اختیار این اشعار را می‌خواند:

فی حال البعد روحی کنت أرسلها تقبل الارض عنی و هی نائبتی

فهده دوله الاشباح قد حضرت فامدد یمینک کی تحظی بها شفتی.

وقتی از شما دور بودم، روحم را به نیابت برای بوسه زدن بر آستان شما می‌فرستادم. حالا خودم به خدمت رسیدم. پس دست مبارک را دراز کنید تا لب هایم نیز از این نعمت بهره مند گردند. (شاهدین این را روایت کرده‌اند که بلافاصله دستی نورانی از قبر بیرون آمد و شیخ بر آن بوسه زد و همان جا بیهوش شد و افتاد). (خطبات حکیم الأُمّه، ج ۳۱، ص ۱۵۶)

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه الله پنج مورد از علائم عشق به رسول (ص) را چنین بیان می‌کند.

۱- سعی برای دیدار پیامبر (ص)

۲- حمایت و تأیید سنت رسول (ص)

۳- دفاع از شریعت

۴- طرد مخالفین پیامبر (ص)

۵- امر به معروف و نهی از منکر

قَالَ الْقَاضِي عِيَّاضٌ وَ مَنْ مَحَبَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نُصْرَةٌ سُنَّتُهُ وَالذَّبُّ عَنْ شَرِيْعَتِهِ وَتَمَنَّى حُضُورَ حَيَاتِهِ فَيُبْدِلُ مَالَهُ وَنَفْسَهُ دُونَهُ قَالَ وَإِذَا تَبَيَّنَ مَا ذَكَرْنَاهُ تَبَيَّنَ أَنَّ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ لَا يَتِمُّ إِلَّا بِذَلِكَ وَلَا يَصِحُّ

الإيمان إلا بتحقيق إعلاء قدر النبي صلى الله عليه وسلم ومنزلته على كل والد وولد ومحسن ومفضل
ومن لم يعتد هذا واعتقد سواه فليس بمؤمن هذا كلام القاضي رحمه الله والله أعلم

قاضی عیاض می فرماید: یاری کردن سنت رسول دفاع از شریعتی که بر ایشان نازل شده و تمنای وجود در عصر پیامبر برای فدا شدن با جان و مال از جمله علائم محبت با پیامبر اکرم (ص) می باشد. (المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۲، ص ۱۶، باب وجوب محبة)

منابع و مأخذ

۱- قرآن الکریم

۲- الأدب المفرد، المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: ۲۵۶هـ)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ - ۱۹۸۹ عدد الأجزاء: ۱

۳- إعلام الموقعين عن رب العالمين، المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: ۷۵۱هـ)، تحقيق: محمد عبد السلام إبراهيم، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت

۴- الأنوار في شمائل النبي المختار المؤلف: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفى: ۵۱۶هـ)، تحقيق: الشيخ إبراهيم يعقوبي، الناشر: دار المكتبي - دمشق

۵- تفسير روح البيان المؤلف: إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلوئي، المولى أبو الفداء (المتوفى: ۱۱۲۷هـ) الناشر: دار الفكر - بيروت.

۶- تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان المؤلف: نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري (المتوفى: ۸۵۰هـ)، المحقق: الشيخ زكريا عميرات، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۶ هـ

۷- خطبات حكيم الأمة، ج ۳۱ ص ۱۵۶ اداره تأليفات أشرفيه .

۸- سنن الدارقطني، المؤلف: أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: ۳۸۵هـ) حققه وضبطه نصه وعلق عليه: شعيب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۴ م، عدد الأجزاء: ۵

۹- صحيح البخاري د، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر.

۱۰- فتح الباري شرح صحيح البخاري، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۷۹، رقم كته وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عدد الأجزاء: ۱۳

۱۱- كشف الخفاء ومزيل الإلباس المؤلف: إسماعيل بن محمد بن عبد الهادي الجراحي العجلوني الدمشقي، أبو الفداء

١٤٥
ويژه نامه ميلاد پيامبر اعظم (ص)
نقطه بر کار

(المتوفى: ١١٦٢هـ) الناشر: المكتبة العصرية تحقيق: عبد الحميد بن أحمد بن يوسف بن هندواوى.

١٢- المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم ، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ٢٦١هـ) المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت .

١٣- معارف القرآن ، محمد شفيح عثمانى ، ناشر اداره المعارف .

١٤- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج ، المؤلف: أبو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت ، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢ ، عدد الأجزاء: ١٨ (فى ٩ مجلدات)